



## عبدالعظیم حسنی؛ فقیه و متکلم عصر تفسیر و تبیین فقه شیعه

**وجود 33 روایت در کتب اربعه و صدها روایت در سایر کتب، نشان از تلاش‌های بی‌پایان فقهی و کلامی حضرت عبدالعظیم حسنی در عصر تفسیر و تبیین فقه شیعه دارد.** به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، یکی از محدثین جلیل‌القدر و بزرگواری که در خدمت ائمه معصومین(ع) بوده و از محضر ایشان تحدیث می‌کرده، حضرت

«عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب(ع)» است.

این سید شریف و بزرگوار از مشایخ حدیث و از زهاد و عباد زمان خود بود. با مراجعه به کتب رجالی و احادیث نقل شده از ایشان، در می‌یابیم که وی به محضر سه نفر از ائمه معصومین(ع) رسیده و از آن بزرگواران نقل حدیث کرده: حضرت امام رضا(ع)، حضرت امام جواد(ع) و حضرت امام هادی(ع). البته در زمان حضرت امام موسی بن جعفر(ع) نیز در قید حیات بوده و با عده کثیری از اصحاب آن حضرت(ع) معاشرت داشته و لکن محضر ایشان را درک نکرده است.

از اخبار منقول به طور وضوح استفاده می‌شود که وی مورد مهر و علاقه و محل اطمینان و اعتماد ائمه اطهار(ع) بوده است. برای نمونه صاحب‌بن عباد در رساله خود بیان کرده: «ابوحامد رازی گوید: خدمت حضرت هادی(ع) رسیدم و از آن جناب مسائلی پرسیدم، هنگامی که اراده کردم از محضر مقدسش بیرون شوم فرمود: هرگاه مشکلاتی برایت پیش آمد کرد آن‌ها را از عبدالعظیم حسنی بپرس و سلام مرا هم به او برسان.»

در «امالی» شیخ صدوق ضمن حدیث «عرض دین» آمده وقتی که حضرت عبدالعظیم خدمت امام هادی(ع) مشرف شد و عقائد خود را اظهار کرد امام فرمود: «تو از دوستان حقیقی ما هستی.» این حدیث ما را کفایت می‌کند تا به فضایل و مقامات حضرت عبدالعظیم پی ببریم؛ چرا که شیعه و محب واقعی اهل بیت(ع) بودن مقامی است که هرکس به آن نائل نمی‌شود.

در حالات عبدالعظیم در «رساله صاحب‌بن عباد» این‌گونه آمده: «عبدالعظیم در امور دین آگاه و مطلع، و به مسائل مذهبی و احکام قرآن به خوبی آشنا بوده و حقائق دینی را درک می‌کرده و به عقل و توحید که مذهب اهل حق است، اعتقاد داشت.»

عبدالعظیم حسنی کتب و تألیفاتی هم دارد که از آن جمله کتابی است، که به «یوم و لیل» نام‌گذاری کرده بود. عده‌ای از بزرگان شیعه و مشایخ حدیث و روایت از وی اخذ حدیث کرده‌اند.

نمونه‌ای از اخبار و روایات حضرت عبدالعظیم(ع) به این شکل است، حضرت امام رضا(ع) فرمود: «مؤمن کسی است که هرگاه نیکی کند از عمل خود خوشوقت شود و هرگاه از او عمل بدی سر زد استغفار و بازگشت کند، مسلمان کسی است که مسلمین از دست و زبان او در آسایش به سر برند از ما نیست آن کسی که همسایگان از شرور و فساد آن در امان نباشند.» (عیون الاخبار / باب ما جاء عن الرضا(ع) من الاخبار المجموعه الحدیث)

عبدالعظیم حسنی از حضرت امام جواد(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده که فرمود: «از حضرت امام صادق(ع) شنیدم می‌فرمود: سرپیچی از فرمان و دستورات و پدر و مادر از گناهان بزرگ است؛ زیرا خداوند «عاق» را ستمگر بدیخت معرفی فرموده و او را به سخت‌ترین عذاب و شکنجه وعده داده است. (علل الشرایع / الباب 229 /

الحدیث 2) برای دستیابی به مجموعه احادیث نقل شده توسط حضرت عبدالعظیم می‌توان به مسند حضرت عبدالعظیم نوشته آقای عزیزالله عطاردی مراجعه کرد. حضرت عبدالعظیم حسنی را باید در واقع نخستین نگارنده و یا به سخن دقیق‌تر اولین گردآورنده باورنامه‌های شیعی دانست هر چند برخی حضور ایشان را به پیش از دوران امامت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می‌رسانند، اما آنچه قطعی به نظر می‌آید، معاشرت و صحبت عبدالعظیم با ائمه چهارگانه پیش از دوران غیبت صغری است. عبدالعظیم تلاش شگرفی در جمع‌آوری و عرضه میراث علمی اهل بیت(ع) از خویش به یادگار نهاده است.

وجود 33 روایت در کتب اربعه و صدها روایت در سایر کتب، نشان از تلاش‌های بی‌پایان فقهی و کلامی حضرت عبدالعظیم دارد. از سوی دیگر عبدالعظیم را باید در واقع نخستین نگارنده و یا به سخن دقیق‌تر اولین گردآورنده باورنامه‌های شیعی دانست. پس از این به روایتی که شیخ صدوق(ره) در «التوحید» به دست داده است اشارت خواهیم کرد و در آن نحوه عرضه عقاید از سوی عبدالعظیم و تأیید شدن آن از سوی امام(ع) را به نظاره خواهیم نشست.

عبدالعظیم نسبت به عموزادگانش کمترین بهره را از کارهای سیاسی علویان که آن زمان بیشتر ارتباطهای مکرر و البته کم‌حجم ایشان متجلی می‌شد، داشت. اما او هرچه از سیاست برکنار بود، دستی در نقل و روایات ائمه(ع) و برقراری میراث فقهی و کلامی ایشان داشت. در این‌باره نقل اندکی از سخنان بزرگان رجال و انساب، خالی از فائدت نیست.

نجاشی در رجال خویش او را صاحب کنیت ابوالقاسم دانسته که از آن اوست. کتاب خطب امیرالمؤمنین(ع) شیخ الطائفه، طوسی او را از سادات علوی دانسته که صاحب اصل و کتاب است و مدفنش در ری است. شیخ هم‌چنین در «الرجال» از او با عنوان مترضی یاد کرده که در اصطلاح رجالیون برابری دارد با واژه «ثقه» و مورد اعتماد. شیخ در «الفهرست» او را در دو موقع یکی در رجال امام هادی(ع) و دیگری در رجال امام عسکری(ع) ذکر کرده است.

هرچند برخی روایات، توثیق و تمجید او که بر زبان امام رضا(ع) جاری شده و به زائران قبر او در ری نوابی هم‌چون زائران حضرت امام حسین(ع) در کربلا اعطا کرده است، چندان مورد توجه رجالیونی چون نجاشی و شیخ الطائفه واقع نشده و قدمت او را به پیش از امام هادی(ع) بردن چندان روا ندانسته‌اند.

گرچه این خود مانع اعجاب و نگرستن و تحسین ناظران در وی نخواهد بود، چنان‌که شیخ صدوق(ره) از او با عنوان «کان مرضیا» یاد کرده است و این عبارت به‌سادگی و حتی آسان‌تر از عبارت شرفی و بر وثاقت وی دلالت می‌کند. عابد، ورع، جلیل‌الشأن و معروف المزار (آن‌که قبر و جایگاه دفنش آشکار است) دیگر عباراتی است که بزرگان حدیث و رجال در مدح وی به کار گرفته‌اند.

حضرت عبدالعظیم حسنی نه راوی سامع است و نه راوی نهایی، بلکه راوی ناقل است و این از اهمیت زانداالوصف او حکایت دارد؛ چرا که او از این طریق به ذکر روایات صادقین(ع) نیز پی

از سوی دیگر طریقی که او در آن قرار می‌گیرد معمولاً مورد توجه فقها و اعتماد ایشان است

عبدالعظیم در مجموع از 3 شیوه برای انتقال بر جای‌گذاری میراث دینی اهل بیت(ع) استفاده کرده است؛ نخست آن‌که او از طریق عضویت در سازمان وکلای امام هادی(ع) سبب انتشار احادیث فقهی، اخلاقی و نیز کلامی ایشان می‌شد، هرچند عضویت او در این سازمان مخفی بود و در ظاهر از وکلای شناخته شده امام به شمار نمی‌رفت. دیگر این‌که سال‌های متممادی تلمذ وی در محضر امام هادی(ع) را نباید در موقعیت علمی که پس از این برای او حاصل آمد، نادیده گرفت.

دوم آن‌که اگر به تقریباً اندکی بیش از 33 روایت منقول به او در کتب اربعه؛ یعنی، الکافی، التهذیب، الاستبصار و من لایحضره که توسط محقق برجسته معاصر، حضرت

آیت‌الله خونی در معجم گرانسنگ رجالی؛ یعنی «معجم رجال الحدیث» فراهم آمده، توجه کنیم، درخواستیم یافت که او معمولاً در میانه سند روایات قرار دارد، در اصطلاح نه راوی سامع است و نه راوی نهایی، بلکه راوی ناقل است و این از اهمیت زائدالوصف او حکایت دارد؛ چرا که او از این طریق به ذکر روایات صادقین(ع) نیز پرداخته است. از سوی دیگر طریقی که او در آن قرار می‌گیرد معمولاً مورد توجه فقها و اعتماد ایشان است.

سومین روش که در واقع جالب‌ترین و شاید بتوان آن را ابتکار خود وی به شمار آورد، شیوه عرضه احادیث و عقاید به ائمه اطهار(ع) و گرفتن تثبیت از ایشان است. شیخ بزرگوار، شیخ صدوق در کتاب التوحید که درباره نگاه شیعه به خداوند و صفات وی فراهم آمده است، در باب التوحید و نفی‌التشبیه، حدیث سی و هفتم، این‌گونه از علی‌بن احمد دقاق از هارون صوفی از ابوتراب عبدالله رویانی از عبدالعظیم حسنی به گزارشگری می‌پردازد: «عبدالعظیم می‌گوید: بر مولایم امام نقی(ع) حاضر شدم. هنگامی که چشمم او به من افتاد فرمودند: سلام بر تو ای ابوالقاسم. تو به حقیقت از دوستان ما هستی. من نیز گفتم ای پسر رسول خدا(ص) می‌خواهم دین خود را به شما عرضه کنم و در صورت تأیید از جانب شما می‌خواهم تا هنگام ملاقات با پروردگار بر آن ثابت قدم بمانم. فرمودند. ای ابوالقاسم آغاز کن. گفتم من بر این باورم که الله تبارک و تعالی واحد است. چیزی چون او نیست.

خارج از دو چیز است. یکی ابطال (یعنی آن‌که او را از هر چیزی حتی وجود میرا بدانیم که در واقع منجر به تعطیل‌شدن عقل می‌شود) و دیگری تشبیه (او به آفریدگانش). او نه جسم است، نه صورت؛ نه عرض است و نه جوهر بلکه او جسم‌دهنده به اجسام و شکل‌دهنده به اشکال است؛ آفریدگار صورت و ماده و جوهر و عرض. پروردگار هر چیزی است و مالک و علت فاعلی و علت غایی(جاعل و محدث) و بر این باورم که محمد(ص)، بنده او و فرستاده او خاتم پیامبران(ص) است. بنابراین پس از او تا روز قیامت پیامبری نیست.

و این‌که امام، خلیفه و ولی‌الامر پس از او امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) است سپس حسن(ع) و حسین(ع) سپس علی‌بن حسین(ع) و محمدبن علی(ع) و جعفربن محمد(ع) و موسی‌بن جعفر(ع) و علی‌بن موسی(ع) و محمدبن علی(ع) و سپس شما ای مولای من! امام(ع) فرمودند پس از من حسن فرزندم امام است. آنگاه پرسیدند: پس از او مردم چگونه‌اند نسبت به جانشین او؟ گفتم: چگونه ای مولای من. فرمودند: زیرا او شخصاً دیده نمی‌شود و حلال نیست نام بردن او تا آنگاه که خروج کند و زمین را پر از عدل و داد کند، همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده است. آنگاه گفتم: ای مولای من اقرار کردم و بر این باورم که دوست ایشان دوست خداست و دشمنان ایشان، دشمنان خدایند.

تبعیت از ایشان تبعیت خداست و نافرمانی ایشان، نافرمانی خداست و نیز بر این باورم که معراج، حق است و سؤال قبر حق است، بهشت حق است، جهنم و آتش حق است، صراط حق است، میزان حق است و قیامت حتماً برپا خواهد شد و شکی در آن نیست و خداوند بی‌گمان آنان را که در قبرهایند برخواهد انگیخت و نیز بر این باورم که واجبات الهی پس از ولایت، نماز و زکات، روزه، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است. آنگاه امام هادی(ع) به ایشان فرمودند: ای ابوالقاسم این، به خدا سوگند همان دین الهی است که خداوند نسبت به بندگانش به شرط دینداری به آن راضی شده است. بر آن ثابت بمان که خدا تو را در آن حیات دنیوی و اخروی ثابت نگاه دارد.» (التوحید، ص 79-80)

از جمع‌بندی این 3 شیوه می‌توان در واقع علاوه بر وقوف به ویژگی‌های شخصیت فقهی عبدالعظیم‌بن عبدالله‌بن علی حسنی، درک نسبتاً جامعی در مورد این دوران به خصوص از ادوار فقه شیعه که آن را عصر تفسیر و تبیین نام نهاده‌اند به کف آورد.\*

\*منبع: مقاله «نخستین نگارنده باورنامه‌های شیعی»، نوشته سهند صادقی بهمنی.